

## پیشگفتار

در عصر کنونی، که عصر تبادل اطلاعات است و فرهنگ و دانش بشری روز به روز گسترش بیشتری می‌یابد، بیش از هر زمان دیگر به مترجمان کارآمد و زبده نیازمندیم؛ زیرا اگر در انتقال فرهنگ و هنر و دستاوردهای جدید علمی و فنی دیگر کشورها، که جز از طریق ترجمه میسر نیست، لحظه‌ای غفلت کنیم از قافله پیشرفت و تمدن عقب خواهیم ماند و جبران این عقب‌ماندگی بسیار دشوار خواهد بود. تقریباً، در همه کشورهای توسعه‌یافته، تربیت مترجم مسئله‌ای جدی و اساسی تلقی می‌شود و برای نیل به این هدف، دهها دانشگاه و مؤسسه تخصصی با امکانات مکفی و بهره‌مندی از استادان معجب مشغول فعالیت‌اند.

در کشور ما نیز هم‌اینک رشته مترجمی در چند دانشگاه وجود دارد، اما تربیت مترجم گاهی آن‌گونه که باید جدی گرفته نمی‌شود. یکی از موانع اصلی در این راه، شاید وجود این عقیده باشد که آموزش ترجمه - به‌ویژه هنگامی که موضوع ترجمه متون ادبی مطرح است - در کلاس درس امکان‌پذیر نیست؛ یا اینکه ترجمه نوعی هنر است و مترجم باید همانند هنرمندان از استعداد و نبوغ خدادادی بهره‌مند باشد. اما آیا چون بیشتر مترجمان سرشناس (هر کدام با توجه به مقتضیات زمانه خویش) ترجمه را به مرور ایام، خارج از کلاس درس و از طریق آزمون و خطا و کسب تجربه به صورت تفریحی فراگرفته‌اند، باید به این عقیده دامن زد که تربیت مترجم در محیط دانشگاهی خیالی واهی بیش نیست؟

مانع دیگر، سردرگمی دانشجویان این رشته است که به علت گوناگونی نظریه‌ها و تفاوت سلیقه‌ها نمی‌دانند چه شیوه مشخصی را برای شروع کار ترجمه برگزینند و چگونه مطابق میل مدرسان خود عمل کنند. به راستی، چطور می‌توان

انتظار داشت که مترجمی در آغاز راه و به رغم اطلاع نسبی از مبانی و معیارهای نظری ترجمه و مطالعه شرح حال مترجمان و یا مصاحبه‌های پراکنده آنها، بتواند برای پرسشهای مهمی که در زمینه ترجمه مطرح است پاسخ قاطع و مدلل پیدا کند؟! پرسشهایی نظیر اینکه ترجمه تا چه حد باید به زبان مبدأ یا مقصد نزدیک باشد؛ آیا مترجم حق دارد به سلیقه خود در کلام نویسنده دخل و تصرف کند؛ و آیا ترجمه خوب یعنی پایبندی به الفاظ و سبک نویسنده یا انتقال پیام و مقصود او.

بدیهی است هر مترجمی که می‌خواهد پا به عرصه بگذارد، الزاماً باید در گام اول با اصول و روشهای گوناگون فن ترجمه آشنا شود و کمابیش نظریه‌های متخصصان این رشته را بداند؛ اما در عین حال، اگر فقط به مطالعه نظریه‌ها بسنده کند، در عمل نخواهد توانست از نزدیک ماهیت ترجمه را لمس کند و برای مشکلات و معضلات این فن راه‌حلهای مناسبی بیابد.

ترجمه صرفاً برگردان ظاهر و صورت کلمه‌ها نیست، بلکه انتقال عمق معنای آنها در درون بافت کلام است. واقعیت آن است که هیچ ترجمه‌ای را نمی‌توان ترجمه آخر و مطلق و بسنده در نظر گرفت؛ زیرا از طرفی شیوه بیان در دو زبان مبدأ و مقصد دقیقاً یکسان نیست و از طرف دیگر برای انطباق معیارهای فرهنگی و زبانی، ایجاد تغییرات در مواردی اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا خلاصه کردن مسائل ترجمه در یک یا چند اصل نظری و تئوری امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد.

ترجمه از مترجم جدا نیست؛ یعنی بعید است که دو یا چند مترجم اثر واحدی را ترجمه کنند و ترجمه‌شان یکسان و شبیه به هم درآید؛ بنابراین، به تعداد مترجمان هر اثر ترجمه‌های متفاوت پدید خواهد آمد. ترجمه بهتر را از مترجمی باید انتظار داشت که از جهات مختلف شایسته باشد؛ یعنی:

- با اسلوب نگارش زبانی که به آن ترجمه می‌کند (عمدتاً زبان مادری) آشنا

و به عبارتی صاحب قلم باشد؛

- زبان مبدأ را در حیطه تخصص خود خوب بداند؛ یعنی بتواند متنی را در

موضوع مورد علاقه خود به راحتی بخواند و آن را به درستی درک کند؛

- به تفاوت کارکردی عبارات در زبانهای مبدأ و مقصد توجه کافی کند؛  
- در حین ترجمه، شتابزده عمل نکند و دقت عمل و صبر و حوصله را رمز موفقیت و سرلوحه کار خود بداند؛  
- از دانش و آگاهی لازم در موضوعی که ترجمه می‌کند بهره‌مند و از لحاظ اطلاعات عمومی و فرهنگی اشباع باشد، یا لاقبل به منابع لازم و کتابهای مرجع دسترسی داشته باشد؛  
- تفاوت‌های میان فرهنگ نویسنده و فرهنگ خود را نیک بشناسد و در ترجمه بکوشد با بیانی مناسب جانب هر دو فرهنگ را نگاه‌دارد؛  
- پیام نویسنده را تا آنجا که مقدور است، بی‌کم و کاست و با حفظ سبک به خواننده منتقل کند؛  
- برای تجربه‌اندوزی بیشتر، حاصل کار مترجمان خوب را با متن اصلی مقابله کند؛  
- به مرور زمان به محاسن و معایب کار خود پی‌ببرد و در صدد اصلاح معایب و تقویت محاسن برآید؛  
- تجربیات ارزنده خود را در اختیار مترجمان جوان و کسانی که اشتیاق و استعداد فراگیری فن ترجمه را دارند، قرار دهد.  
پس ترجمه، «فن» است و آن را مانند هر فن دیگری می‌توان فراگرفت. با این اعتقاد، در کتاب حاضر بهتر دیدیم برای دستیابی به مطلوب‌ترین شیوه درک تعاریف ترجمه و احاطه بر اصول این فن و طرح شیوه‌ای مناسب و برتر برای آموزش ترجمه، علاوه بر پرداختن به روشهای عملی ترجمه به صورتی نظام‌مند، به آثار ارزنده‌ای که مترجمان شایسته و صاحب‌نام به فارسی برگردانده‌اند نیز مکرراً مراجعه کنیم و از آن بخش از تجربیات آنها که قابل حصول و ارزشمندتر است، استفاده وافر ببریم تا به این ترتیب، موجبات شکوفایی ذوق و توان مترجمان جوان را فراهم آوریم و دست‌کم آنان را برای ترجمه در سطح کمینه آماده سازیم؛ یعنی سطحی که مترجم در آن قادر است اختلافات میان دو زبان را به خوبی درک کند و

ترجمه‌ای به دست دهد که با معیارهای زبانی و عرفی منافاتی نداشته باشد. گفتنی است متن‌ها و جمله‌هایی که در این کتاب درسی آمده، بر اساس معیارهای معینی انتخاب شده‌اند و می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد: نخست متونی که بر طبق هر سرفصل برای ترجمه انتخاب شده و معنی واژه‌های دشوار هر کدام برای تسریع در روند ترجمه در پایان متن ذکر گردیده؛ و دیگر متون یا جمله‌های ترجمه شده‌ای که با ذکر نام مترجم آنها برای مثال یا به منظور مقابله آمده است؛ در این ترجمه‌ها - که البته در مواردی نباید نمونه برتر و الگوی ترجمه قلمداد شود - هیچ دخل و تصرفی نشده و حتی رسم‌الخط مترجمان نیز به همان ترتیبی که در ترجمه‌هایشان بوده، منعکس شده است تا امکان بیشتری برای نقد و بررسی نحوه کار مترجمان گذشته و امروزی فراهم شود.

رها شدن مشتاقان فراگیری فن ترجمه از سردرگمی و ارائه روشی ساده و کاربردی که بتواند آنان را با فراغ خاطر و رضایت بیشتر به سر منزل مقصود برساند، هدف اصلی ما از نگارش این اثر بوده است. مطالب این کتاب بر اساس برخی اولویتها تنظیم شده است و لذا مدعی نیستیم که بتوان اولاً همه مباحث مرتبط با ترجمه را در آن یافت و ثانیاً با خواندن آن و انجام دادن تمرینهای مترجم چیره‌دستی شد؛ زیرا چیره‌دستی در کار ترجمه، در وهله نخست نیاز به تمرین و ممارست و مقابله مستمر دارد. در پایان، امیدواریم اهل فن نظرها و پیشنهادهای سازنده خود را از ما دریغ نفرمایند و ما را در جهت بهبود این اثر و رفع نواقص آن یاری کنند.

محمدجواد کمالی

مشهد

kamali\_mj@yahoo.fr